

حمید رئوف نیا

چکیده

حضور سپاه اسلام به فرماندهی طارق بن عزیز در سال ۹۲ هجری مقارن با ۷۱۲ میلادی در شبه جزیره ایبری (۱) یکی از درخشان‌ترین تمدن‌های بشری را رقم زد. اندلس مسیحی قبل از آن‌که در سایه‌سار حکومت اسلامی قرار گیرد همانند سایر کشورهای اروپایی قرون وسطی در جهل و تاریکی و توحش قرار داشت، اما ورود اسلام به شبه جزیره ایبری نه تنها اندلس را صاحب آزادی دینی، علم‌اندوزی و تحصیل دانش کرد و زندگی آنان را به بالاترین سطح رفاه رساند بلکه باعث پیشرفت و ترقی تمام اروپا گشت.

متن

میدل دراف، یکی از تاریخ‌نویسان اروپا اعتقاد دارد: «در مقابل مردم بی‌شعور روم و آلمان، اسپانیای اسلامی در آن زمان نقطه معروف و متمدن بود. تسلط مسلمانان در اسپانیا بی‌شک از اتفاقات نادر اروپاست. چنان‌که با این حرکت علوم و تمدن تمام اروپا را فراگرفت و به آن سعادت جاودانی بخشید... اگر این عده مسلمانان به سرداری طارق بن عزیز سال ۷۱۲ میلادی در کنار جبل الطارق فرود نمی‌آمدند و از آنجا داخل خاک اروپا نمی‌شدند، معلوم می‌شد که ما اهالی اروپا چه زیان‌ها می‌دیدیم و تا چه اندازه از ترقی‌های حالیه دور می‌افتادیم چنان‌که علم نجوم را از مسلمان‌ها آموختیم، جبر و مقابله معروف را از ایشان دریافتیم، اختراعات جدید در علم تعمیر شهرها و تاسیس پلیس برای حفاظت شهر و تشکیل کتابخانه‌های عمومی و وقفی را از آنها آموختیم... بعضی گفته‌اند تلگراف و باروت را هم مسلمانان اختراع کرده‌اند، کاغذسازی و ساعت و پرگار از مسلمانان است، یک قسم چرم خوب را که امروز به چرم مراکو معروف است، مسلمانان ساخته‌اند. همچنین شیوه شعر و شاعری که پیش از زمان عرب در اروپا وجود نداشت و علاوه بر اینها غیرت و مردانگی و شجاعت به ما آموختند، اینها تمام از زحمات و اقدامات سودمند مسلمانان در ملک‌داری و رعیت‌پروری بوده و در اكمال این مقاصد حسنه اساس مدنیت معلوم می‌شود که بی‌نهایت کوشش داشته‌اند چنان‌که از آثار ایشان روشن و مبرهن و در خور هزارگونه تمجید و تحسین است (۲)».

گفته‌های میدل دراف و سایر مورخان و پژوهشگران غربی بخوبی روشن‌گر وضعیت اندلس مسیحی و اسلامی است. با ورود اسلام به سرزمین اندلس گویی نه تنها اندلس خود را از اروپای قرون وسطی جدا کرد، بلکه چون چراغی روشنی‌بخش سایر نقاط توحش‌زده اروپا شد. اروپاییان که پس از دوران درخشان یونان و روم باستان بسرعت سیر قهقرایی را طی کرده بودند در قرون سیاهی و تاریکی و ایام گمگشتگی اندیشه و تفکر نه تنها با مظاهر تمدن و بزرگی فرسنگ‌ها فاصله گرفته بودند، بلکه نسبت به بدیهیات زندگی فردی و اجتماعی نیز بیگانه بودند، شاید امروز باور آنچه ماریا، راهبه مسیحی به اسقف طلیطله می‌نویسد، سخت و دور از ذهن باشد اما نورالدین آل‌علی در کتاب «اسلام در غرب» از قول ماریای مسیحی چنین آورده است: «تا ۶۰ سالگی جز انگشتانم که مکرر به آب مقدس رسید، بدنم با آب آشنایی نداشته و شستشو نشده است.» و این همه در حالی است که در همان زمان در شهر قرطبه به تنهایی ۹۰۰ حمام عمومی وجود داشت که اغلب با سنگ مرمر ساخته شده بود و این نشان‌دهنده میزان پیشرفت و رفاه مسلمانان بود (۳).

در وصف اندلس اسلامی جهانگردان و سیاحان گفته‌های بسیار دارند که همگی بر یک نکته اشاره و تاکید دارند و آن چیزی نیست جز آن که اندلس در آن روزگار در قله تمدن و افتخار به سر می‌برد چنان که یک نویسنده آلمانی در قرن ۱۰ اندلس را مایه زینت دنیا می‌نامد.

گفته‌ها و نوشته‌های نویسندگان غربی در احوال اندلس بیانگر شمه‌ای از تمدن بزرگ اسلامی است که در اندلس بروز و ظهور پیدا کرده است. جان دراپر در توصیف شهرسازی و زیباسازی شهر قرطبه، پایتخت اندلس می‌نویسد: «۷۰۰ سال بعد از این تاریخ یعنی بعد از شکوه اندلس حتی یک چراغ در راه‌های عمومی لندن و پاریس وجود نداشت و قرن‌ها بعد از آن تاریخ افراد پیاده در شهرهای لندن و پاریس تا قوزک پا در گل فرو می‌رفتند».

نهر و نخست‌وزیر فقیه و دانشمند هندوستان در اثر فاخر خود، «نگاهی به تاریخ جهان» به زیبایی، تمدن و فرهنگ اسلامی در اندلس و وضعیت اروپای آن دوره را به تصویر می‌کشد. وی می‌نویسد: «دوران ۷۰۰ ساله حکومت اعراب در اسپانیا بسیار حیرت‌انگیز است اما آنچه بیشتر جالب توجه است، تمدن و فرهنگ عالی و بزرگی است که عرب‌های اسپانیا که به مورها مشهور شده‌اند، به وجود آوردند.» یکی از مورخان که تحت تاثیر این تمدن قرار گرفته و تا اندازه‌ای مجذوب آن شده است، می‌گوید: «مورها آن حکومت حیرت‌انگیز کوردووا (قرطبه) را به وجود آوردند که از شگفتی‌های قرون وسطی بود و موقعی که سراسر اروپا در جهل و بربریت و جدال و زد و خورد غوطه می‌خورد به تنهایی مشعل دانش و تمدن را روشن نگاه داشت که پرتو آن بر دنیای غرب می‌تابید».

نهر و همچنین از قول یکی از مورخان می‌گوید در اسپانیا تقریباً همه کس خواندن و نوشتن را می‌دانست حال آن که در اروپای مسیحی، صرف‌نظر از طبقه روحانیون، حتی اشخاصی که از عالی‌ترین طبقات هم بودند، در جهل کامل به سر می‌بردند.

سپس نهر و می‌افزاید: «چنین بود وضع شهر قرطبه که با بغداد که شهر بزرگ دیگر عربی (اسلامی) بود، رقابت و برابری می‌کرد. شهرت این شهر (قرطبه) در سراسر اروپا پیچیده بود. دانشجویانی از نقاط دوردست به دانشگاه این شهر می‌آمدند. نفوذ فلسفه عربی (اسلامی) در دانشگاه‌های بزرگ دیگر اروپا مانند دانشگاه پاریس و آکسفورد و دانشگاه‌های شمال ایتالیا پخش می‌شد (۴)».

مسلمانان که در راه فتح اندلس به خاطر وضعیت نابهنجار آنها در عصر وزیگوت بدون مشکل، با دروازه‌های گشوده اندلس مواجه شدند بسرعت راه پیشرفت و ترقی را پیمودند. دکتر گوستاو لوبون در فصل سوم از باب ششم کتاب خود در این باره آورده است که در طول صد سال اراضی بایر را تماماً مزروع و آباد کردند و ابنیه و عمارات عالی‌بنا نهادند و روابط تجاری با اقوام دیگر برقرار کردند و بعد به اشاعه علوم و فنون همت گماشته، کتب یونانی و لاتین را تجربه کردند.

آموزشگاه‌ها و دانشکده‌هایی تاسیس نمودند که تا مدتی مدید مورد استفاده اروپاییان بود و از پرتو آن بهره‌مند بودند. مسلمانان با سعی وافر و تلاشی ستودنی صنایع و علوم و فنون متنوعی همچون معماری و شهرسازی، کشاورزی، پزشکی، تولید شیشه، سفالگری و کاشیکاری، نساجی و پارچه‌بافی و صنعت مترقی کاغذسازی را به شبه جزیره ایبری آوردند و به آن رونقی روزافزون بخشیدند. صنعت کاغذسازی از جمله مهم‌ترین صنایعی بود که توسط مسلمانان به میان اندلسیان آورده شد. ویل دورانت اختراع کاغذ را یکی از ارکان تمدن دانسته است. مسلمانان صنعت کاغذسازی را از چینیان آموختند، در پی جنگ سختی که در سال ۱۳۴ هجری قمری بین چینیان و مسلمانان خراسان روی داد، مسلمانان بر چینی‌ها چیره گشتند و پس از آن از طریق صنعتگران چینی با این صنعت آشنا شدند. ابن ندیم در این باره می‌نویسد:

گویند کارگران چینی کاغذ را در خراسان همانند کاغذ چینی می ساختند.

مسلمانان صنعت کاغذسازی را همچون سایر صنایع با خود به اندلس آوردند. منابع اسلامی معروفترین مرکز کاغذسازی اندلس را در شهر شاطبه دانسته‌اند. اوریس درباره نوع کاغذ این شهر گفته است: در شهر شاطبه اندلس بهترین کاغذ عالم را می ساختند و به شرق و غرب برده می شد. فیلیپ در مورد نقش مسلمانان ممالک اسلامی بویژه مسلمین اندلس در توسعه و تکامل صنعت کاغذ و نتایج آن در اروپا می گوید: اگر کاغذسازی یعنی سودمندترین چیزی که مسلمانان به اروپا داده‌اند در اندلس نبود، جمع‌آوری کتاب میسر نمی شد، اگر کاغذ نبود چاپ با حروف جدا میسر نمی شد و اگر کاغذ و چاپ نبود، تعلیمات عمومی چنانچه امروز هست در اروپا رواج نمی یافت. از دیگر صنایعی که در اندلس اسلامی رونق یافت، صنعت نساجی و پارچه‌بافی بود. این صنعت در اندلس چنان جایگاهی را احراز کرد که پارچه و حریر اندلس به شرق و غرب صادر می گشت و شهرتی جهانی یافت. پیشرفت تجارت و بازرگانی و همچنین رفاه اجتماعی از جمله عوامل ترقی و رونق صنعت نساجی در اندلس بود.

مسلمانان در سیستم کشاورزی اندلس تغییرات زیادی ایجاد کردند که از این رهگذر سرعت زمین‌های بایر اندلس زراعی شد. قبل از ورود مسلمانان به شبه جزیره ایبری نظام حاکم بر زراعت آن سرزمین نظام فئودالی و ارباب و رعیتی بود که در دوره اندلس اسلامی نظام فئودالی جای خود را به شیوه زمینداری شرقی سپرد. به طور کلی باید اذعان کرد امویان اندلس به کشاورزی و امر زراعت عنایت و توجه ویژه‌ای داشتند، از این رو تقویم خاصی تحت عنوان تقویم قرطبی فراهم آورده بودند. این تقویم روش و موسم کشت گیاهان گوناگون را بیان کرده بود؛ شیوه‌ای که مورد پسند سایر ملل نیز واقع شد و از آن استفاده کردند.

با عنایت به پیشرفت همه‌جانبه و قابل ملاحظه اسلام در اندلس و دستاوردهای گرانبهای مسلمین که دوست و دشمن به آن اذعان و اعتراف دارند این سوال به ذهن متبادر می شود که به راستی راز و رمز موفقیت مسلمانان چه بود و چرا مسلمانان بعد از ۸۰۰ سال حکومت و ملکداری از این کشور رانده شدند؟

مسلمانان بنا بر آموزه‌های دینی شانیت انسانی را از هر قوم و نژاد و مذهبی که بودند پاس می داشتند و این رویه متفاوت از آئی بود که اهالی شبه جزیره ایبری در عصر وزیگوت تجربه کرده بودند. مسیو سریلوکی از مورخان بنام است در این باره می نویسد:

«مسلمانان در آن عصر از حیث اخلاق و علوم و فنون بر مسیحیان مزیت داشته و به مراتب از آنها بالاتر بودند. در تمام حالات و اطوار و رفتار آنها سخاوت و احساس و ایثاری که موجود بود، نظیر آن در دیگر اقوام یافت نمی شد. از ممیزات آنها نسبت به اقوام دیگر که در واقع جزو مفاخر آنهاست، یکی محترم شمردن نوع انسان بوده است و از همین صفت خاص به واسطه سوءتفاهمی که در آن پیدا شد، رسم دوئل در اروپا اشاعه یافت. سلاطین مسیحی قسطلیه و ناوار تا این درجه به حس وفاداری و مهمان‌نوازی مسلمانان اعتماد داشتند که برای معالجه و مداوا همیشه بدون هیچ بیمی به پایتخت آنها آمد و شد می کردند(۵)».

چمبر، نویسنده انگلیسی راجع به عبدالرحمن اول، یکی از حکام اندلس در کتاب فتوح العرب و کنوزالادب چنین آمده است:

«عبدالرحمن (اول) که مردی با مروت و باانصاف و سلطانی با عدل و داد بود در اندک زمانی دولتش معمور و سلطنتش معروف سلاطین آن زمان گردید و همواره در پیشرفت و ترقی علوم و صنایع کوشش و جهد بلیغ می نمود. از احکام او یکی

این بود که ثلث خراج مملکت باید صرف داخله اسپانیا شود و از آن جمله به ساختن و پاکیزگی راه‌های شهر و بنای پل‌های جدید و ساختن مساجد در هر جا همت می‌گماشت (۶)».

پس از گذشت قرن‌ها از حکومت مسلمانان در اندلس به مرور اختلافات بین دو گروه مضرری و قحطانی روز به روز عمیق‌تر و ریشه‌ای‌تر شد تا جایی که هر گاه قدرت به دست یکی از این دو می‌افتاد بر دیگری ستم می‌کرد و گروه مقابل به کارشکنی می‌پرداخت. متأسفانه دامنه اختلافات و دشمنی‌ها به جایی رسید که گروه ضعیف‌تر به دامن دشمن مسیحی چنگ می‌زد و استمداد می‌طلبید و دشمن که مترصد چنین موقعیتی بود و برای چنین پیشامدی لحظه‌شماری می‌کرد از اختلافات درونی بهره‌برداری و دولت‌های کوچک اسلامی در اندلس را تصرف کرد و در آخر در سال ۸۹۷ هجری قمری به عمر آخرین حکومت اسلامی در اندلس یعنی حکومت بنی نصر پایان داد. بی‌تردید سهل‌انگاری در امر حکومت و همچنین خوشگذرانی و عافیت‌طلبی حاکمان متاخر، راه پیروزی را بر مسیحیان هموارتر کرد. آنها با نفوذ در جامعه اسلامی اندلس و رواج عیاشی و بی‌بند و باری در میان جوانان مسلمان، آنان را از درون تهی ساختند و به این ترتیب بر قرن‌ها حضور درخشان و بی‌بدیل مسلمانان در اندلس یا اسپانیای امروزی مهر پایان زدند.

حمید رئوف‌نیا

منابع:

- ۱- گوستاو لوبون، تمدن اسلام و غرب، ص ۳۳۳
- ۲- چمبر، فتوح العرب و کنوزالادب، ترجمه: عبدالرحیم خان شیرازی، صص ۴۳ - ۲۱
- ۳- نورالدین آل علی، اسلام در غرب (تاریخ اسلام در اروپای غربی)، صص ۴ - ۳
- ۴- جواهر لعل نهرو، نگاهی به تاریخ جهان، ج ۱، صص ۳۷۹ - ۳۷۷
- ۵- گوستاو لوبون، تمدن اسلام و غرب، ص ۳۵۰
- ۶- چمبر، فتوح العرب و کنوزالادب، ترجمه: عبدالرحیم خان شیرازی، صص ۱۷ - ۱۶